

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسلام و ادیان انبیاء

(ترجمه)

به جواب ابوساری

پرسش:

**السلام علیکم و رحمت الله و برکاته!**

شیخ ما، الله سبحانه و تعالی شما را عزت دهد! می‌خواهم چنین سوال کنم که در کتاب "نظام اسلام" ذکر شده؛ اسلام دینی است که الله سبحانه و تعالی آن را به محمد صلی الله علیه و سلم نازل نموده تا رابطه انسان را به خالقش، با خودش و با غیرش از بنی انسان تنظیم نماید.

سوالم اینست که آیا الله سبحانه و تعالی این دین را تنها به محمد صلی الله علیه و سلم نازل نموده، نه بر انبیای گذشته؟ در صورتی که چنین باشد، دین انبیای گذشته چی بوده است؟ از جواب شما تشکر می‌کنم و از الله سبحانه و تعالی مسئلت دارم که شما را جزای خیر عنایت فرماید!

پاسخ:

**و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته!**

شما در سوال خود اشاره به مبحثی نمودید که در ابتدای کتاب "نظام اسلام" و در تعریف اسلام به گونه ذیل ذکر شده است: «اسلام همان دینی است که الله سبحانه و تعالی بر سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم به خاطر تنظیم رابطه انسان به خالقش، با خودش و با غیرش از بنی انسان نازل کرده و رابطه انسان با خالقش شامل عقائد، عبادات و رابطه آن با خودش شامل اخلاقیات، مطعومات و ملبوسات و رابطه‌اش با غیرش از بنی انسان شامل معاملات و عقوبات می‌شود.» ختم.

کلمه "اسلام" و مشتقات آن از این ماده در نصوص شرعی هم به معنی لغوی و هم به معنی اصطلاحی استعمال گردیده است. معنی لغوی کلمه "اسلام" تسلیم شدن، فروتنی و اخلاص است و معنی اصطلاحی کلمه "اسلام" بر علم و اسم دینی اطلاق شده که الله سبحانه و تعالی این دین را خاصه بر سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم نازل نموده؛ چنانچه همین تعریف از کتاب "نظام اسلام" نقل قول شده که در این جا این موارد را بیان می‌کنیم:

اولاً: معنی لغوی برای لفظ اسلام:

1- در فرهنگ‌های زبان معنی لغوی کلمه "اسلام" چنین ذکر شده است:

ا- {لسان العرب جلد 12 صفحه 289}: «اسلام به معنی تسلیم شدن، فروتنی برای شریعت و به معنی اظهار خضوع و اظهار شریعت و التزام و پایبندی به آنچه رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده است... ابوبکر محمد بن بشار در خصوص "اسلام" چنین گفته است: فلانی "مسلم" است؛ یعنی تسلیم به امر الله سبحانه و تعالی است و یا این که او عبادت را خالصانه برای الله سبحانه و تعالی قرار می‌دهد. در حقیقت این اصطلاح از این قول گرفته شده است: "سلم الشيء لفلان" یعنی فلان شی را به فلانی خالص ساخت و فلان شی را مخصوص برای فلانی قرار داد... و در حدیث وارد شده که هیچ آدمی نیست؛ مگر این که با او شیطان است. گفته شد که آیا همراهی شما هم؟ فرمود؛ بلی، همراهی من هم؛ اما الله سبحانه و تعالی مرا بر شیطان غالب ساخته و او برایم تسلیم شده است. در روایتی دیگری آمده: "اسلم" یعنی تسلیم و فروتن گردیده و از وسوسه من دست برداشته است.»

ب- {المحيط في اللغة جلد 2 صفحه 265} گفته است: «اسلام: به معنی تسلیم شدن به امر الله سبحانه و تعالی و فروتنی در طاعت آن می‌باشد. می‌گویند: "سلمنا لله ربنا" یعنی به الله تسلیم شدیم و "سلم" و "اسلام" و "مسلم" به همین معنی است.»

پس اسلام در لغت تسلیم شدن، فروتنی و اخلاص بوده و نسبت به الله سبحانه و تعالی به معنی فروتنی، و خالص ساختن عمل است.

2- استعمال کلمه "اسلام" در نصوص شرعی به معنی لغوی: نصوص شرعی کلمه "اسلام" و مشتقات آن را در جاهای متعدد به معنی لغوی فوق الذکر استعمال نموده و ما دو مورد را از این نصوص شرعی به عنوان مثال بیان می‌کنیم:

ا- این قول الله سبحانه و تعالی:

(وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (127) رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (128) رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (129) وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (130) إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (131) وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (132) أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَالِاهُ أَبَانِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (133) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ} [بقره: 127-134]

ترجمه: و آنگاه که ابراهیم پایه‌های خانه را بالا می‌برد و همچنان اسماعیل، می‌گفتند پروردگارا، از ما بپذیر که همانا تو تنها تویی بس شنوای دانا! پروردگارا، ما دو تن را تسلیم خود بگردان و از نسل ما امتی تسلیم به خودت پدید آر و عبادت مان را به ما بنما و توبه ما را بپذیر که همانا تو تنها تویی بس توبه پذیر مهربان! پروردگارا در میان آن‌ها رسولی بر انگیز که آیات تو را پیوسته بر آنان بر خواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پیراسته شان کند که همانا تو تنها تویی بس عزتمند حکیم! کیست که از آئین ابراهیم روی گرداند جز آنکه خود را بی‌خردی گیرد، بی‌گمان ما او را در دنیا برگزیدیم و بی‌گمان در سرای آخرت از شایسته‌گان خواهد بود. آنگاه که پروردگارش به او گفت تسلیم باش، گفت تسلیم پروردگار عالمیان هستم. ابراهیم فرزند خود را و یعقوب به آن توصیه کرد ای فرزندم بی‌گمان الله تعالی این آئین را برای شما برگزیده، پس زنهار که جز به حال تسلیم به او بمیرید! آیا در آن زمان که مرگ یعقوب فرار رسید، شاهد بودید که فرزندان او گفت پس از من چی چیزی را بنده گی می‌کنید؟ گفتند معبود تو و پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحاق همان معبود یگانه و ما فقط تسلیم او هستیم. آن‌ها امت بودند که گذشتند، دست‌آورد آنان برای خودشان و دست‌آورد شما برای خودتان است، شما از آنچه آن‌ها انجام می‌دادند، پرسیده نمی‌شوید.

پس تمامی الفاظی که در این آیات مبارکه به ماده "اسلام" ارتباط دارد، مثل: "مسلمین، مسلمة، اسلم، مسلمون و مسلمون" به معنی لغوی لفظ "اسلام" بوده؛ یعنی به معنی تسلیم شدن، فروتنی و خالص ساختن عمل برای دین الله سبحانه و تعالی می‌باشد و واقعیت این مسئله را آنچه در کتب تفاسیر در خصوص معانی این آیات آمده واضح نموده که تفسیر مختصری از تفسیر نسفی را برایت نقل قول می‌کنم:

{تفسیر نسفی جلد 1 صفحه 76}: «(رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ) یعنی پروردگارا! ما را مخلص برای خودت قرار بده تا به طرف تو توجه کنیم، از این قول (أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ) و یا به معنی مستسلمین می‌باشد، گفته می‌شود "اسلم له و استسلم" یعنی فروتن شد و یقین کرد و معنی آن چنین می‌شود که اخلاص ما را زیاد کن و همچنان گفته است؛ (وَمِن دُرِّيَّتِنَا) یعنی از ذریه ما برای خودت قرار بده! کلمه من در اینجا به معنی تبعیض و یا تبیین است. گفته شده که منظور از امت، امت محمد صلی الله علیه و سلم است؛ ولی این‌که ایشان ذریه و نسل خود را در دعاء خاص ساختند؛ زیرا اولادهای شان شفقتا حق اولیت را دارند، مثل این قول الله سبحانه و تعالی: (فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا)... زیرا (انقال) ظرف "اصطفیناه" است و به دلیل پنهان بودن کلمه "اذکر" منصوب شده؛ انگار گفته شده: آن وقت را به یاد آور تا بدانی که او برگزیده و صالح است که از دینش روی گردانی نکرده، یقین کرده و اطاعت نموده و خالص ساخته است؛ (قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ) یعنی خالص ساختم و فروتن شدم برای

پروردگار جهانیان، ﴿فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ یعنی نمیرید، مگر این‌که بر دین اسلام ثابت باشید؛ ﴿وَوَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ و ما برایش مخلصین هستیم.» ختم.

ب- این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْخَوَارِجِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ [مائده: 111]

ترجمه: آنگاه که به خواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان آورید، گفتند؛ ایمان آوردیم و شاهد باش که ما تسلیم هستیم.

از این آیه مبارکه واضح می‌شود که صحبت از خواریون پیروان عیسی علیه السلام است و آن‌ها گفتند که مسلمون یعنی تسلیم و منقاد به فرمان الله سبحانه و تعالی می‌باشیم و برایش مخلص هستند. در تفسیر نسفی در خصوص این آیه چنین آمده است:

{تفسیر نسفی جلد 1 صفحه 314}: «(وَإِذْ أُوحِيَتْ) وقتی به خواریون یعنی افراد خاص و مخلصین آن الهام نمودم که بر من و فرستاده ام، ایمان بیاورید، گفتند ایمان آوردیم و شاهد باش که ما مسلمون یعنی مخلص هستیم.»

دوم: استعمال اصطلاحی برای کلمه "اسلام" به معنی شرعی:

1- طوری که قبلاً ذکر نمودیم، نصوص شرعی کلمه "اسلام" را به معنی اصطلاحی یعنی علم و اسم برای دین استعمال نموده و این دین بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده که در این خصوص دو مثال را در ذیل ذکر می‌کنیم:

ا- ﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي

وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [مائده: 3]

ترجمه: امروز کسانی که کفر ورزیدند، از دین شما ناامید شدند؛ پس از آن‌ها نترسید و از من بترسید! امروز دین تان را برای شما با کامل رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

در خصوص تفسیر این آیه مبارکه ابن کثیر چنین گفته است:

{تفسیر ابن کثیر جلد 3 صفحه 26}: «و این قول الله سبحانه و تعالی: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ این بزرگترین نعمت الله عزوجل بر این امت است که دین شان را طوری کامل نموده که بر دین و بر رسول دیگری غیر از دین و رسول خودشان نیازی ندارند. به همین دلیل، این رسول را، الله سبحانه و تعالی خاتم الانبیاء قرار داده و این رسول را به سوی انس و جن فرستاده است؛ پس حلال نیست، مگر این‌که او حلال شمرده باشد و حرام نیست، مگر این‌که وی حرام کرده باشد. همچنان دین نیست، مگر این‌که وی شرع نموده باشد؛ هر آن چیزی که او خبر داده باشد، صدق بوده و در آن کذب وجود ندارد؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾ [انعام: 115]

ترجمه: و کلام پروردگار تو با صداقت و عدالت به تمام رسید.

یعنی در اخبارش صادق بوده و در اوامر و نواهی‌اش عادل است. وقتی دین برایش کامل شد، نعمت بر ایشان تکمیل شد. به همین دلیل الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ یعنی در پیروی و اختیار این دین راضی باشید؛ زیرا این دین است که الله سبحانه و تعالی به آن راضی شده و آن را دوست گرفته و به خاطر رساندن آن بهترین رسولش را فرستاده و مشرف‌ترین کتابش را نازل کرده است. علی ابن ابی طلحه از ابن عباس روایت نموده و گفته است: منظور از این قول ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ اسلام است. الله سبحانه و تعالی برای رسول خود و برای مؤمنین خبر داده که او دین را برای شان تکمیل می‌کند؛ چنانکه محتاج به بیش‌تر از آن نباشند و الله سبحانه و تعالی این دین را طوری تکمیل نموده که دیگر نقص بر آن وجود نداشته و الله سبحانه و تعالی از این دین طوری راضی شده که هرگز ناراض نمی‌شود.» ختم.

از سیاق این آیه مبارکه طوری واضح می‌شود که سخن از دینی است که الله سبحانه و تعالی بر نبی خود نازل نموده و سپس آن را تکمیل و از پیروی مسلمانان این دین راضی شده است.

ب- بخاری در صحیح خود از ابن عمر رضی الله عنهما روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ»

ترجمه: اسلام بر پنج چیز بنا شده است؛ شهادت این که الله معبود بیگانه است که به جز او دیگر معبود بر حق نیست و محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده او است؛ اقامه نماز، دادن زکات، حج و روزه رمضان.

از این حدیث شریف واضح می‌شود که سخن از دین اسلام است؛ همان دینی که بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده و این پنج مورد ارکان همین دین است چنانچه در حدیث دیگری ذکر شده است.

2- آنچه در کتاب "نظام اسلام" ذکر شده و متن سوال که از آن اقتباس گردیده، به همان معنی اصطلاحی "اسلام" بوده و این کتاب تلاش نموده تا "اسلام" را طوری تعریف نماید که شمولیت اسلام بر تمام نواحی و جوانب زندگی اطلاق گردد. در این تعریف طوری ذکر شده که اسلام دینی است که بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده تا رابطه انسان را با خالقش، با خودش و با غیرش از بنی بشر تنظیم نماید؛ پس به این ترتیب، هیچ رابطه را اسلام ترک ننموده؛ بلکه تمام رابطه‌ها را تنظیم و برایش احکام را وضع نموده است.

سوم: اسلام و ادیان انبیاء:

1- اسلام به معنی لغوی نسبت به الله سبحانه و تعالی به معنی فروتنی و خضوع برای الله سبحانه و تعالی و خالص ساختن دین آن است. این یک صفت برای دین همه انبیاء بوده که از آدم علیه السلام شروع و محمد صلی الله علیه و سلم را شامل می‌شود؛ پس همه انبیاء بر دین اسلام بودند:

ا- در حق ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم آمده است: ﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [بقره: 131] ترجمه: *آنگاه که پروردگارش به او گفت تسلیم باش، گفت تسلیم پروردگار عالمیان هستم.*

ب- در حق یعقوب علیه السلام و فرزندان اش آمده است: ﴿وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (132) *أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (133) *تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [بقره: 132-134] ترجمه: ابراهیم فرزند خود را و یعقوب به آن توصیه کرد، ای فرزندانم! بی‌گمان الله تعالی این آئین را برای شما برگزیده پس زنده‌ها که جز به حال تسلیم به او بمیرید! آیا در آن زمانی که مرگ یعقوب فرار رسید، شاهد بودید که فرزندان او گفت پس از من چی چیزی را بنده گی می‌کنید؟ گفتند معبود تو و پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحاق همان معبود بیگانه و ما فقط تسلیم او هستیم. آن‌ها امتی بودند که گذشتند، دست‌آورد آنان برای خودشان و دست‌آورد شما برای خودتان است، شما از آنچه آنها انجام می‌دادند پرسیده نمی‌شوید.**

ج- در حق یوسف علیه السلام آمده است: ﴿تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ [یوسف: 101] ترجمه: *مرا مسلمان بمیران و به صالحین برسان!*

د- در حق موسی علیه السلام و پیروانش و همچنان در حق ساحرین آمده است: ﴿وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ﴾ [یونس: 84] ترجمه: *و موسی گفت: ای قوم من، اگر به الله ایمان آورده اید، پس به او توکل کنید؛ اگر تسلیم شده هستید!*

﴿وَمَا تَنْقُمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنا رَبَّنَا أَفَرِحَ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ [اعراف: 126] ترجمه: تو تنها به این گناه از ما انتقام می‌گیری که به نشانه‌های پروردگارمان آنگاه که بر ما عرضه شد، ایمان آورده ایم، پروردگارا! بر ما صبر ببار و ما را در حال تسلیم بمیران!

هـ- و در حق سلیمان علیه السلام آمده است: ﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلَ أَهْكَذَا عَرْشِكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ﴾ [نمل: 42] ترجمه: به این ترتیب وقتی در آمد پرسیده شد، آیا تخت تو این‌گونه است؟ گفت: مثل آنکه خودش است؛ ما پیش از این آگاهی داده شده بودیم و تسلیم بودیم.

و- و در حق عیسی علیه السلام و انصارش آمده است: ﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: 52] ترجمه: پس همین که عیسی کفر را از آنان احساس کرد، گفت: چه کسانی یاران من به سوی الله اند؟ خواریون گفتند: ما یاران الله هستیم و به الله ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم هستیم.

ز- و در حق اهل کتاب آمده است: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (52) وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ﴾ [قصص: 52-53] ترجمه: کسانی که پیش از این به آنان کتاب دادیم، آن‌ها به این کتاب ایمان می‌آوردند و چون بر آن‌ها تلاوت شود، گویند: به آن ایمان آوردیم که بی‌تردید حقی است از جانب پروردگارمان ما پیش از این نیز مسلمان بودیم.

به این ترتیب "اسلام" به معنی تسلیم شدن، انقیاد و فروتنی و اخلاص برای الله سبحانه و تعالی بوده و این صفت دین تمام انبیاء است؛ اما معنی اصطلاحی شرعی اسلام همان گونه است که در کتاب "نظام اسلام" آمده است: «اسلام همان دینی است که الله سبحانه و تعالی آن را بر سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم نازل نموده تا توسط آن رابطه انسان را با خالقش و با خودش و با غیرش از بنی انسان تنظیم نماید که رابطه انسان با خالقش شامل عقائد و عبادات شده و رابطه آن با خودش شامل اخلاقیات، مطعمومات و ملبوسات شده و رابطه آن با غیرش از بنی انسان شامل معاملات و عقوبات می‌شود.» ختم.

دلایل به تأیید این مطلب به کثرت و به صورت قاطع وجود دارد که بعضی این دلایل را در فوق ذکر نمودیم. امیدوارم که در همین حد برای جواب سوال شما کفایت نماید. الله سبحانه و تعالی از همه عالم‌تر و با حکمت‌تر است.

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

8 جمادی الآخر 1444 هـ.ق.

1 جنوری 2023 م.

مترجم: مصطفی اسلام